

سخنی در باب اخلاق و آشنایی با کتاب تحف العقول - نوشته: علامه امینی -

ترجمه: حسین علیزاده

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال دهم، شماره ۳۸ «ویژه علامه امینی»، بهار ۱۳۹۲، ص ۶۹ - ۷۷

سخنی در باب اخلاق و آشنایی با کتاب تحف العقول

نوشته: علامه امینی

ترجمه: حسین علیزاده *

چکیده: این گفتار، ترجمه مقدمه علامه عبدالحسین امینی بر کتاب تحف العقول نوشته ابن شعبه حرانی دانشور شیعی قرن چهارم است که به درخواست مصحح کتاب، استاد علی اکبر غفاری بر نخستین چاپ حروفی کتاب به سال ۱۳۷۶ قمری نوشته است.

امینی این گفتار کوتاه را با ارزش عقل آغاز می‌کند و پیامبران و امامان علیهم‌السلام را معادن عقل موهبتی الهی و احیاگر آن می‌داند. بر این اساس، کتاب تحف العقول را یکی از مهمترین منابع اخلاق می‌شمارد که مبتنی بر احیای عقل الهی انسان است. آنگاه تحقیق مرحوم غفاری را

*. پژوهشگر و نویسنده.

می‌ستاید و مزایای آن را بر می‌شمرد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق - جایگاه عقل / پیامبران و امامان علیهم‌السلام - احیای عقل / تحف العقول (کتاب) - توصیف / حرّانی، ابن شعبه - آثار / دانشمندان شیعه - سده چهارم / غفاری، علی اکبر - تحقیق متون.

مقدمه

ارزش و ژرفایی کتاب *الغدیر* چنان بر کارنامه علمی علامه امینی سایه افکنده که دیگر آثار او را تحت الشعاع قرار داده است. به گواهی دانشورانی که با علامه امینی زیسته‌اند، آن بزرگ مرد، با جامعیتی ویژه، در زمینه‌های مختلف پژوهشی و فرهنگی، طرح‌های مختلف داشت که فرصت برای تبیین و پیگیری آنها را نیافت.

یکی از این حوزه‌ها، حوزه اخلاق است که علامه امینی در آن زمینه، بسی سخن‌ها داشت، و تنها اندکی از آنها را در سخنرانی‌های عمومی خود مطرح ساخت. استخراج این دیدگاه‌ها، وظیفه جامعه فرهنگی امروز است.

در سال ۱۳۷۶ قمری / ۱۳۳۶ شمسی محقق فقید مرحوم استاد علی اکبر غفاری، کتاب *تحف العقول* نوشته ابن شعبه حرّانی دانشمند شیعه قرن چهارم را برای نخستین بار به چاپ حروفی رساند. این کار با افتتاح بخشی از کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نجف توسط علامه امینی همزمان شد. و مرحوم غفاری یک نسخه از کتاب را برای اهدا به آن کتابخانه، به حضور علامه امینی فرستاد. امینی با نگارش مقدمه‌ای کوتاه



و ژرف به زبان عربی، بخشی از دغدغه‌های خود در باب اخلاق را مطرح ساخت و جایگاه ابن شعبه حرّانی و ارزش کتاب *تحف العقول* را بیان کرد. استاد غفاری این مقدمه را در آغاز کتاب *تحف العقول* (چاپ حروفی تهران) درج کرد، که بعدها به چاپ افست جامعه مدرسین قم نیز منتقل شد. با این که چندین ترجمه فارسی از *تحف العقول* انتشار یافته، فارسی زبانان تاکنون امکان بهره‌گیری از این مقدمه ارزشمند نداشتند. بدین روی، ترجمه گفتار علامه امینی در پی می‌آید، تا وجهی دیگر از منشور جامع امینی را نشان دهد.

بسم الله الرحمن الرحيم

تو را سپاس، ای آنکه آفریدی و روزی بخشیدی
و الهام کردی و سخن آموختی
و ابداع کردی و تشریع فرمودی
و بلندمرتبه‌ای و برتری گزیدی
و اندازه‌گرفتی و خوب اندازه کردی
و نگارگری کردی و متقن ساختی
و دلیل آوردی و ابلاغ کردی
و نعمت دادی و سرشار کردی
و عطا کردی و گرانبار کردی
و بخشیدی و پربار کردی
تو را سپاس و هزاران سپاس.

و درود بر تو ای ابوالقاسم پیامبر رحمت، نجات‌بخش امت، سرور فرزندان آدم، علّت آفرینش، راز هستی، نور زمین و آسمانهای فرازین، محور مدار فلک و فرودگاه



وحی و فرشته! و درود بر خاندانت که خداوند، ناپاکی را از آنان به شایستگی زدود.

سخن در ارزش عقل

آدمی گنجی شایان‌تر و گران‌بها تر از عقل به خود ندیده است که ستون خیمه اوست و هیچ ثروتی سودمندتر از آن نیست که پروردگارش به او تحفه داده و ارزانی داشته است، گنجی که با آنان بر دیگر موجودات برتری یافته و آن سرشتی است که از کار زشت می‌گریزد. فضیلتی است که با آن، سعادت ابدی به دست می‌آید و با آن آدمی در زندگانی به قلّه رستگاری و پیروزی راه می‌یابد. عقل عنوان صفحات فضایل انسانی است و پیشانی بند انسان کامل و اوج خیره‌کننده او و سرلوحهٔ بشارتهای برتری او. عقل، تمام دارایی عمر انسان سعادت‌مند در هر دو جهان و بذر هر خیری است که به دست می‌آورد. عقل زیور هر خصلت ستوده است و کرامتی است که با آن باید خود را آراست.

ارزش آدمی جز به عقل او نیست که مایهٔ انتظام اوست و به اندازهٔ آن از دین‌داری و اطاعت حق بهره خواهد داشت. عقل برترین پیشاهنگ است و مایهٔ زیبایی درون و برون. با آن اعمال آدمی سنجیده می‌شود و به میزان آن پاداش می‌یابد. با عقل، آدمی به نیکبختی رسیده و از هلاکت و بدبختی رهیده است. عقل دلیل شرافت او و میزان دستاورد و میزان سنجش برای دستاوردهای او از خیر و شرّ است. خداوند، از بندگان خود در روز قیامت براساس میزان عقلی که در دنیا به آنها داده، حساب می‌کشد. عقل، نشانه‌ها دارد، و ویژگی‌های انسان براساس آن مشخص می‌شود. عقل، صاحب خود را به کارهای خیر و می‌دارد، او را به مردم می‌شناساند، و میزان عظمت روحی او را به مردم می‌نماید.

خرد - همچنان که مولایمان امیرمؤمنان علیه السلام فرمود - بر دو گونه است: یکی طبیعی و دیگری اکتسابی، که هر دو، غسل صعود و نزول می‌پیمایند و فراز و فرود می‌پذیرند و دارندهٔ آنها میان نیکبختی و تیره‌بختی در نوسان است. نیکبخت



کسی است که خدا او را به بهره خرد خوشبخت داشته و کارش را به سامان آورده و کامیابش کرده است. نیک بخت خدای رحمان را می پرستند و بهشت رضوان را به دست می آورد. به یاری خرد دست آوردهای نیکویی می یابد، خیرش افزون می شود، درونش پاک می گردد، کارش نیکو می شود و خصلتهایش درست می گردد. دیگری تیره بختی است که به ناشایستی می گراید، هوشش را در نیرنگ و اندیشه اش را در فریب به کار می اندازد، از نیکوکاری می پرهیزد و در آن کندی می کند. هرگاه سخن گوید، گناه جوید و چون کلامی گوید راه انحراف پوید، اگر فتنه ای روی آورد به سوی آن می شتابد و اگر زشتی ببیند خود را در آن می افکند. دانش در حقیقت نور عقل است و راه گشای آن که سنگلاخ را هموار می کند و کجی را می زداید، خردمند را به خیر می رساند و به راههای سلامت و مسیر سعادت و صلاح به شاهره کردار نیک می کشاند. خردمند با آن کمال می پذیرد و شکوفا می شود و کارش سامان می یابد.

در سخنان حکیمانه امام صادق علیه السلام چنین آمده که فرمود: بی خرد را صلاحی نباشد و جاهل اهل خردورزی نیست.

تحف العقول چیست؟

تحف العقول مجموعه کلمات پاکیزه ای در موضوع دانش و دین و حکمت و آداب و اخلاق و معارف است. خرد از میوه هایش بهره مند می شود، جان از آن توشه می گیرد و خردمند به آن انس می جوید. سخنان گزیده و مرواریدهای حکمت است که همچون چشمه ای روان است و خداوند بر زبان گویای صالحان و صادقان جاری ساخته است. درسهای والای دانشهای برتر است که حاملان آن خاندان وحی اند و خردهای سالم را می پرورند، امامان معصومی که ناپاکی جاهلیت دامانشان را نیالوده و جامه های پلید خود را بر اندامشان نپوشانده است.

اگر به سخنان پیامبران و دانشیان گذشته آنان و پیروانشان نظر کنی، تمامی آن



سخنان را که فردی صالح و اندیشمندی الهی و سخن‌وری توانا، خطیبی گویا و عارفی بیدار دل و پیشوایی پیروی شده از دوران آدم علیه السلام تا امروز گفته است، فروتر از کلام سرور ادب، پیامبر بزرگ، آورنده کتاب و حکمت و نیز جانشینان برگزیده او می‌یابی. می‌بینی که گفتارهای نیکوی دیگران در برابر سخنان ایشان نارساست و حکمتش در برابر حکمت اینان ناقص است و هیچ‌یک از حکیمان سخن‌ور گذشته و آینده، هر چند به هم یاری کنند، سخنی مانند ایشان نتوانند آورد؛ که زبان هر گوینده سخن‌وری از آوردن نظیر اینان درمانده و بیان هر صاحب سخن گویایی بر ایشان حسرت برده و به گرد آن نرسیده و به کرانه‌های آن راه نیافته است.

آری، این سخنان که از سرچشمه وحی جوشان خاندان عصمت تراویده، تحف‌العقول است که آیتی از بلاغت و فصاحت و استواری لفظ و معناست، فروتر از کلام داور است و فراتر از گفتار بشر. و هرکس در آن نیک بنگرد قوی‌ترین برهان و بهترین دلیل را بر پیشوایی آن سروران و پادشاهان سخن و حکمت‌آموزان می‌یابد و آن را بزرگ‌ترین معجزه و برترین کرامت آن جانهای پاک می‌بیند که تا ابد می‌ماند و بازگو می‌شود و سپاس می‌افزاید. بر عظمت فخر این دودمان پاک، همین سخنان جاودانه بس که از صدق منطقشان در روزگار، آثار ماندگار رسیده و سخنان ژرفی که خداوند به ایشان الهام کرده و بر زبانشان نهاده، تمام جامعه بشری بدان نیاز دارد و امت مسلمان با آن اصلاح می‌شود؛ به گونه‌ای که هیچ هر حکیم خردمند، اخلاق‌شناس بزرگوار، فیلسوف هشیار، عارف نصیحت‌گذار، پیشوای اصلاح‌گرا از آن بی‌نیاز نیست و هیچ عاقلی از آن روی نمی‌گرداند.

آری، هرگاه سخن ارزشمندی شنیدی که به یکی از بزرگان جهان منسوب است و آویزه گوشها شده، مطمئن باش که از این سرچشمه گوارا برداشته شده. و هرگاه حکمتی بلیغ یا اندرزی نیکو به گوش تو برسد، بدان که قطره‌ای از این دریای بی‌کران است. و هرگاه رفتار صالحانه یا کردار نیکوکاری که به بهترین کار دست



پوشانده تو را خوش آمد، بدان که همه به کردار این خاندن پاک و رهنما می‌رسد، که درود و رحمت خداوند بر ایشان باد.

آری، به خدا سوگند که ایشان مایه حیات دانش و موجب مرگ نادانی‌اند. شکیبایی ایشان نشان‌گر دانش آنها و ظاهرشان گویای باطنشان است. سکوتشان به حکم منطق است، با حق مخالفت ندارند و در آن اختلاف نمی‌دارند. آنان پایه‌های اسلام و دست‌آویز پناه‌جویانند. به خاطر ایشان حق به پایگاه خود رسیده و باطل را از جایگاهش فروکشیده و زبانش کوتاه‌گشته است. در کار دین به هشیاری و رعایت می‌اندیشند نه از روی شنیدن و روایت، زیرا که راویان علم بسیار و رعایت‌کنندگان آن اندک‌اند.^۱

اگر خداوند دوستی ایشان را با دوستاری خود همراه کرده، شگفت نیست. و اگر پیامبر، بزرگی ایشان را در تمسک و پیروی با قرآن کریم هم‌پایه کرده که تا رسیدن به او بر سر حوض کوثر از هم جدایی نپذیرند، سخنی به حق گفته نه از روی هوی، چرا که این بیان وحی است که به او رسیده است.

و اگر امیرمؤمنان علیه السلام فرمود که ما امامان گنجینه علم و حکمتیم و مایه امان اهل زمین و نجات جوینده‌ایم، ما پرورش‌یافتگان پروردگار خودیم و دیگر مردم پرورش‌یافتگان ما، امیران کلامیم و ریشه‌های آن از ما برآمده و شاخه‌های آن بر وجود ما رسته است، ما درخت نبوت و فرودگاه رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و معدن دانش و سرچشمه‌های حکمتیم و دیگر سخنان بسیار نغز و پاکیزه مانند این را فرموده^۲، فقط حقیقت روشنی را بیان داشته است که دوست و دشمن، خواه ناخواه بدان اقرار دارند.

۱. این تعبیرات، از خطبه امام امیرالمؤمنین علیه السلام اقتباس شده است.

۲. این تعبیرات از خطبه‌های آن امام همام اقتباس شده است.

خداوند سبحان در دورانهای گذشته، گروهی از برجستگان دین، استادان دانش و پیشوایان حدیث را بر آن داشت که به گردآوری این آثار و بازمانده‌ها و جمع این سخنان پردازند تا برای جویندگان دانش و پیشگامان فضیلت و حاملان عقل و خرد، دستمایه‌ای باشد. از این رو، از سخنان آن سروران یعنی امامان اهل بیت علیهم‌السلام، مجموعه‌های مستند فراهم کردند و کتابهایی گران بها، سرشار از گوهرهای ناب گفتار ایشان نگاشتند که حاوی سرچشمه‌های حکمت و شامل جامع‌ترین کلمات و زبده اندرزهای شیوا و بیان امور نجات‌بخش یا هلاکت‌آور است.

در پیشاپیش آن مردان دانشی و تألیفات ایشان، این کتاب گران‌قدر است که بی‌گمان راهنمای پرهیزگاران است، یعنی تحف العقول و مؤلف بسیاری از آن، فقیه بزرگ گوهرشناس، هدیه روزگار و مایه فخر دانش و فضیلت در قرن چهارم [هجری]، شیخ ما ابو محمد حسن بن علی بن حسین بن شعبه حرّانی. او به زیبایی گرد آورد، از پژوهشگری خویش بهره جست و خوب از عهده برآمد و دستاوردی از فضل فراوان و ادب سرشار خود فراهم آورد که مراد خواهندگان، آرزوی جویندگان، مطلوب دانشجویان، هدف پندآموز خیرخواه و سیراب‌کننده سخنور اصلاح‌طلب است.

عجب نیست که کتاب وی از روزنگارش تا روزگار ما، همواره در ردیف والاترین مجموعه‌های علم و عمل جای دارد. دانشمندان برجسته بر آن همت گماشتند، در فرهنگ‌نامه و زندگینامه‌ها با زیبایی تمام توصیف کردند، بر اعتبار کتاب و اعتماد صاحب‌نظران بر آن و حسن شهرت و فواید فراوان آن تصریح کردند. تراجم‌نگاران مؤلف آن را به دانش، ژرف‌اندیشی، فضل، مهارت، گرانتقدری، آبرومندی، شکوه، اعتبار ستوده‌اند. علاوه بر همه اینها حسن سلیقه و به‌گزینی او نشان‌گر خردمندی و



برهان قداست او و احاطه و کاردانی اش در علم حدیث است^۱.

این کتاب گران بها که با پست به دست ما رسید و به «کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)» اهدا شده، به راستی گران بهاترین هدیه و ارجمندترین ره آوردی است که دانشمند ممتاز و خلف صالح «میرزا علی اکبر غفاری رازی» - که خداوند او را بر کسب رضای خویش توفیق دهد - در تهران به اهل علم و عموم، فایده رسان قرار داده و ارمغانی ارجمند به کتابخانه ها داده که مایه سپاس و دست مریزاد است. این چاپ، امتیازی بر چاپهای پیشین دارد: سرشار از پانوشتهای مفید است و حاوی استخراج احادیث از منابع استوار و توضیح واژگان دشوار و بیان نکاتی است که پژوهنده به درک ژرفای دقایق و ظرافتهای آن نیاز دارد. همچنین شرح حال کسانی را در بر دارد که خواننده بر آنها وقوف می یابد.

اینک ما از هدیه کننده نیکوکار آن به خاطر هدیه گران بهایش و تصحیح کتاب به این صورت چشمگیر و زیبایی کم نظیر و توجه فراوان ایشان در ویرایش و پیرایش آن سپاسگزاریم. خداوند از سوی ما و امت مسلمان بهترین پاداش نیکوکاران را به ایشان کرامت فرماید. درود بر وی و آن گروه همکاران ارجمند، و رحمت و برکات خداوند بر ایشان باد.

مدیریت کتابخانه

عبدالحسین احمد امینی

۱۳۷۶ ه.ق.

۱. برای نمونه بنگرید: امل الآمل، ریاض العلماء، روضات الجنات، فوائد الرضویة، الذریعة، الفرقة الناجية نوشته قطیفی.